

بررسی نقش و تأثیر قلمرو گذاری و مرزبانی فضای سایبری در اعمال حاکمیت بر فضای سایبر ملی

محمد رضا حسینی^۱، مهرباب رامک^۲، احسان کیان خواه^۳، سید حسین علوی^۴

^۱دانشیار گروه مدیریت راهبردی فضای سایبر، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی
rezahsn88@gmail.com

^۲دکترای تخصصی مدیریت راهبردی فضای سایبر، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی
m.ramak@aut.ac.ir

^۳دکتری مدیریت راهبردی فضای سایبر، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی
e.kiankhah@sndu.ac.ir

^۴دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی فضای سایبر، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی
h.alavi@aut.ac.ir

چکیده

با گسترش روزافزون بهره‌برداری از فناوری‌ها و تجهیزات سایبری در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها، شاهد توجه بیش از پیش کشورها به پدیده قلمرو سایبر ملی با هدف اعمال حاکمیت و ممانعت از تسلط بیگانگان در فضای سایبری ملی هستیم. این پژوهش با بررسی ادبیات مرتبط با حاکمیت بر قلمرو سرزمینی و چگونگی انطباق اصول و قواعد حقوق بین‌الملل مرتبط با حاکمیت ملی بر فضای سایبر ملی به تحقیق پیرامون نقش و جایگاه قلمرو گذاری و مرزبانی فضای سایبری در اعمال حاکمیت بر فضای سایبر ملی می‌پردازد. تحقیق حاضر با توجه به هدف، از نوع توسعه‌ای-کاربردی است و روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است که برای گردآوری اطلاعات، از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است و سعی شده تا مبانی لازم جهت تبیین موضوع از منابع به روز داخلی و خارجی استخراج گردد. محققین پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات نتیجه‌گیری کردند قلمرو گذاری و مرزبانی فضای سایبری می‌تواند نقش بسزایی در اعمال حاکمیت بر فضای سایبر ملی داشته باشد و برخورداری از اصول و قواعد حقوق بین‌الملل، پیگیری‌های قانونی و دفاع از فضای سایبر ملی مستلزم تعریف و اعلان قلمرو سایبری ملی و مرزبانی مؤثر این فضا می‌باشد. به‌علاوه تعریف نشدن قلمرو و مرز ملی در فضای سایبری، رفتار قانون‌مند کنشگران خصوصی و دولتی در یک فضای قانونی را به همراه نخواهد داشت و منجر به تضعیف نظام حاکم و امنیت ملی خواهد شد. نتایج حاصل از این تحقیق گسترش دانش و شناخت بهتر تصمیم‌گیران و متولیان امر در کشور را به همراه خواهد داشت.

کلمات کلیدی: اصول و قواعد حقوق بین‌الملل، حاکمیت ملی، قلمرو گذاری و مرزبانی فضای سایبری.

۱ مقدمه

تهدیدات متنوع و روزافزون پیش روی فضای سایبری که به واسطه ماهیت به هم پیوسته این فضا امکان پذیر گردیده، موجب شده است ساختارهای اینترنت و فضای سایبری از دهه ۱۹۹۰ میلادی با رشد چشم گیری به نفع تمرکز و کنترل بیشتر تغییر نمایند. از این رو دولت ها طی سال های گذشته به طور مداوم نظارت و کنترل خود برای محافظت از فضای سایبری ملی را افزایش داده اند. البته هیچ گاه رابطه و مرز بین تمرکز و عدم تمرکز ساختارهای به هم پیوسته فضای سایبری ملی به هیچ وجه آشکار نبوده است. عدم تمرکز به دلیل انعطاف پذیری و در دسترس بودن ارتباطات و تعاملات در فضای سایبری و تمرکز به واسطه نیازهای کنترل و مراقبت از منابع و منافع ملی سایبری اعمال شده است.

هنگام پیدایش فضای سایبری و اینترنت، بسیاری پیش بینی می کردند این فضا چالش بزرگی برای حاکمیت ملی (سرزمینی) کشورها ایجاد می کند. اما تفسیر های اخیر حاکی از این است که اگر چه فضای سایبری و به خصوص رسانه های اجتماعی به کنشگران غیردولتی نیز قدرت داده است، ولی دولت ها همچنان به دنبال تقویت مواضع و اعمال حاکمیت ملی (سرزمینی) از طریق / بر فضای سایبری هستند.

همچنان که برخلاف پیش بینی برخی صاحب نظران مبنی بر کم رنگ شدن مرزهای سرزمینی طی سال های آتی و مطرح شدن ایده «دنیای بدون مرز»، که منجر به تحولات اساسی در حاکمیت دولت ها بر قلمرو سرزمینی ملی می گردد؛ موضع گیری کشورها در مقابله با انتشار ویروس کرونا و پس از آن سیاست های واکسناسیون کووید ۱۹ نشان داد، راهبردهای قلمرو سرزمینی هنوز در سراسر جهان دارای استحکام و در حال استفاده مؤثر هستند. در بهار سال ۲۰۲۰ میلادی کشورها به سرعت مرزهای خود را بستند و عبور و مرور انسان ها را ممنوع یا حداقل به شدت کنترل کردند. حتی در برخی موارد با اجبار، افراد را از قلمرو سرزمینی ملی اخراج نمودند. پس از آن نیز اعمال سیاست های واکسناسیون کووید ۱۹ و اولویت شهروندان در زدن واکسن کووید، نشان از تحکیم مبانی سرزمینی داشت. همچنین وضع قوانین و مقررات مهاجرتی در بسیاری از کشورها که طی سال های گذشته اعمال گردیده است، نمونه دیگری از راهبرد ملی مبتنی بر صیانت از قلمرو ملی می باشد. این شواهد بیانگر اهمیت و جذابیت قلمرو ملی در نظام سیاسی مدرن می باشد و به ما یادآوری می کند، یک واقعیت عمیق در مورد جهان سیاسی ما این است که جهان دارای دولت های سرزمینی مستقل است و دولت ها مدعی حقوقی در برابر شهروندان خود و در مقابل بیگانگان هستند و از حق کنترل مستقل بر قلمرو خود برخوردار می باشند (Paasi et al., 2022).

از آنجایی که حاکمیت در هر عرصه ای از چهار عنصر قلمرو و مرز، شهروندان، منابع و نظام تشکیل می گردد، پیش شرط اعمال حاکمیت در فضای سایبر نیز تعریف و تحقق این چهار عنصر می باشد. یعنی اینکه افراد، تجهیزات و داده های موجود در قلمرو سایبری هر کشور تابع حکمرانی آن کشور بوده و از سوی دیگر هیچ کشوری نباید در فضای سایبر واقع در قلمرو کشورهای دیگر مداخله کند. همچنین تمام کشورها (و دولت به عنوان نماینده قانونی حاکمیت) مشروعیت دارند از قلمرو خود در برابر تجاوز محافظت نمایند (کریمی قهرودی محمدرضا و زارعی وحید، ۱۳۹۹). از این رو به کارگیری فضای سایبر در شئون مختلف زیست بشری موجب گردیده است اعمال حاکمیت در فضای سایبر کشورها یکی از ابعاد جدید حاکمیت ملی

و به تبع آن قلمروگذاری و مرزبانی این فضا امری ضروری به حساب آید. هم‌اکنون قلمروگذاری و مرزبانی فضای سایبر ملی به درجات مختلف توسط دولت‌ها اعمال می‌شود و حتی آزادترین کشورهایی که ادعای آزادی عمل و آزادی بیان دارند (مانند ایالات متحده آمریکا) قلمرو سایبری کشور را به گونه‌ای متفاوت تعیین و مرزهای سایبر ملی را پایش، نظارت و کنترل می‌نمایند. در بسیاری دیگر از کشورها مثل چین و روسیه، با اعمال رویکردهای دولت‌محور که به نوعی قلمروگذاری و مرزبانی فضای سایبر ملی محسوب می‌گردد، حاکمیت بر فضای سایبر داخلی را تقویت می‌نمایند. حتی کشورهای دموکراتیک نیز اخیراً از طریق تدوین راهبردهای ملی سایبری با هدف بومی‌سازی داده‌ها، در جهت ارتقاء حاکمیت فضای سایبری ملی (سرزمینی) حرکت کرده‌اند.

به این ترتیب قلمروگذاری و مرزبانی فضای سایبر ملی اولین گام در صیانت از فضای سایبری کشور و همچنین نقش برجسته و مهمی در حاکمیت ملی و پیشگیری از چالش‌های ناشی از فضای سایبری به فضای واقعی کشور دارد.

۲ مفهوم شناسی و ادبیات تحقیق

۱.۲ حاکمیت ملی

قدرت غایی و انحصاری بر قلمرو سرزمینی یک کشور را حاکمیت ملی می‌گویند. بنابراین دولت به‌عنوان بالاترین مرجع حقوقی، از امتیاز اعمال حاکمیت بر قلمرو ملی برخوردار است. صلح و استفالیبا با به رسمیت شناختن انحصار اقتدار سیاسی دولت بر قلمرو سرزمینی، به ظهور مفهوم مدرن دولت منجر شد. نظم پیش از استفالیبا به گونه‌ای بود که قدرت لزوماً سرزمینی و البته انحصاری نبود و اعمال حاکمیت اغلب با همپوشانی و پیچیدگی همراه بود. چگونگی بروز اقتدار سیاسی نیز از قاعده و اصول خاصی پیروی نمی‌کرد (Douzet, F. 2020).

در ۲۴ اکتبر ۱۶۴۸ با امضای پیمان موسوم به پیمان وستفالیا، جنگ خانمان سوز سی‌ساله در اروپای مرکزی پایان یافت. وستفالیا منطقه‌ای در شمال غربی آلمان- میزبان این رخداد تاریخ‌ساز بود. عهدنامه وستفالیا را یکی از نقاط عطف در تاریخ روابط بین‌الملل می‌دانند. وستفالیا نخستین پیمان صلح چند جانبه پس از رنسانس در اروپا است. این پیمان بعدها منجر به معاهدات بزرگ مشابهی بین کشورها شد که در نهایت به تدوین قانون بین‌الملل انجامید. صلح وستفالیا، الگو و پایه جامعه‌ی ملل و سپس سازمان ملل متحد گردید. این معاهده مرزهای ملی در قاره اروپا را تعیین کرد، استقلال و حاکمیت کشورها را به رسمیت شناخت و نشان داد حاکمیت ملی، قلمرو ملی و استقلال ملی به اصولی تبدیل شده‌اند که باید در روابط بین‌الملل مورد توجه قرار گیرند. در این پیمان حقوق برابر و یکسان کشورها به عنوان واحدهای سیاسی مستقل برای نخستین بار مطرح و مورد پذیرش قرار گرفت. مطابق این پیمان کشورهای مستقل حق تعیین سرنوشت خود را دارند، برابری و حق دخالت در امور هم را ندارند (کامران دستجردی، حسن، ۱۴۰۱).

فرهنگ جغرافیای انسانی حاکمیت را «ادعایی برای اقتدار غایی و نهایی بر یک جامعه سیاسی» تعریف می‌کند. حاکمیت در حقوق اساسی و در پهنه حقوق عمومی نیز به معنای «قدرت برتر و عالی و صلاحیت

اتخاذ تصمیم نهایی و قدرت جمع‌کننده انرژی‌های سیاسی درون جامعه» تفسیر شده است که دارنده آن می‌تواند در مسائل قلمرو تحت پوشش امر و نهی کند. حاکمیت ملی (مردمی) یک ابداع قانونی است که این ابداع قانونی دارای قدرت، برای شکل دادن به نهادهاست. استفاده از این برداشت در واقع ناظر بر امور داخلی کشورهاست که حکومت‌ها بر اساس اختیارات و اقتداری که به طرق دموکراتیک یا دیگر روش‌های مرسوم در دوران حاضر کسب کرده‌اند، قدرت و سلطه مشروع خود را بر قلمرو ملی و مردم خویش اعمال می‌کنند (بدیعی، مرجان و همکاران، ۱۳۹۹).

با این توضیح حاکمیت از آن رو بعد جغرافیایی می‌باید که چهره قانونی اعمال اراده حکومت بر سرزمین (قلمرو) و مردمان (ملت) است و مفهوم اجرای قوانین حکومت برای کنترل مردم و سرزمین در محدوده جغرافیایی‌اش را می‌رساند.

اغلب نظریه‌های حاکمیت ملی، «قلمرو» را به عنوان عنصر اساسی حکومت تشخیص می‌دهند و حاکمیت معمولاً مرتبط با یک قلمرو تحدید شده است. در واقع، زمانی که حکومت درون یک متن جغرافیایی قرار می‌گیرد، اولین مشخصه مهم، ویژگی قلمرویی آن است و حکومت از حق تعریف آنچه قانونی است و اجرای قانون درون یک فضای دارای مرز مشخص برخوردار است. مفهوم حاکمیت در مقیاس‌های فضایی گوناگون قابل بررسی است که عبارتند از: فروملی (محلی)، ملی و فراملی. در نگاه کلی‌تر حاکمیت ملی از دو سطح داخلی و خارجی برخوردار است: حاکمیت داخلی به اقتدار مطلق و نهایی دولت بر همه قلمرو افراد، گروه‌ها، نهادها، و سازمان‌ها در درون مرزها مربوط می‌شود. اما حاکمیت خارجی (فراملی) به رابطه میان دولت مورد نظر با سایر دولت‌ها مربوط می‌شود و مکمل حاکمیت داخلی (ملی) است. به عبارت دیگر حاکمیت خارجی به معنای شناسایی متقابل از سوی دیگر دولت‌ها درون سیستم بین‌دولتی (بین‌المللی) است.

امروزه بر اساس منشور سازمان ملل متحد، تمام کشورها از حق دفاع از خود در عرصه بین‌المللی، حق استقلال و حق برابری بین‌المللی در حوزه حاکمیت ملی برخوردار هستند. این سه حقوق حاکمیت ملی توسط کشورهای جهان حمایت و اجرا می‌شوند و قلمروگذاری و مرزبانی سرزمینی نقش اساسی در اعمال حاکمیت ملی و برخوردارگی از حقوق مرتبط بین‌المللی دارد.

۲.۲ قلمرو و مرز

واژه قلمرو ترکیبی از اسم «قلم» و فعل امر «رو» می‌باشد که ظرف مکان و به معنی محل روا بودن قلم کسی و به معنای ملک مطیع است (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۹۲). قلمرو در عرف نشان‌دهنده محدوده مالکیت و حاکمیت یک موجودیت زنده مانند حیوان یا انسان یا گروه و سازمانی از آنها بر یک محدوده جغرافیایی اعم از سرزمین، منابع و منافع مادی آن محدوده است. جانوران برای زندگی و فعالیت‌های زیستی‌شان، محدوده مشخصی برای خود برمی‌گزینند. حیوانات از رهگذر نشانه‌های ساده بصری، آوایی، چشایی و خواص بویایی مرزهایشان را تعیین، نشانه‌گذاری (اعلان) و در نگاه‌داشت قلمروشان می‌کوشند. میزان وضوح این نشانه‌ها و اعلان‌ها در فضای مربوطه، به نوعی جدیت و اقتدار بر محدوده قلمرو (مرزها) را القا می‌نماید (بدیعی، مرجان و همکاران، ۱۳۹۹).

واژه قلمرو در جوامع انسانی نیز ناظر به فضای محدود شده‌ای است که افراد و گروه‌ها از آن به عنوان

محدوده اختصاصی، استفاده می‌کنند و در مقابل هر گونه تهاجم و دست‌اندازی بیگانگان از آن محدوده دفاع می‌نمایند. در نتیجه به فراخور وسعت و توان مادی، قلمروهای مختلفی وجود دارد که زمینه بروز کنش‌های متنوعی از همکاری تا جنگ بین ساکنان را در پی دارد. در حوزه رفتار انسان اجتماعی، قلمرو بخشی از سطح زمین می‌باشد که گروهی خاص یا موجودیتی سیاسی مدعی مالکیت و حاکمیت بر آن است. بنابراین، قلمروها نشان دهنده اعمال قدرت بر فضا هستند که در عالی‌ترین سطح در قالب کشور - ملت‌ها سر برآورده اند. امروزه، قلمرو گستره فضایی قدرت یک کشور و منابع مادی تأمین‌کننده آن قدرت است (کاوایی راد، مراد، ۱۳۹۲).

با توضیح ارایه شده، قلمرو در هر عرصه‌ای با ترسیم «مرز» در آن عرصه شکل می‌گیرد و مرزها مهم‌ترین ابزار برای کنترل و محافظت از قلمرو به شمار می‌روند. یعنی ابزار تعیین حدود و کنترل دسترسی به یک قلمرو که به برخی اجازه ورود و از دسترسی برخی دیگر ممانعت به عمل می‌آورد، «مرز» است. در نتیجه مرز نقطه‌ای است که تهدیدات خارجی به واقعیت‌های داخلی تبدیل می‌شود. تحدید مرزها توسط فرآیند قلمروسازی باعث ایجاد یک منطقه خاص می‌شود که در آن قدرت اعمال می‌شود و آن را به یک سرزمین یا فضا تبدیل می‌کند (Medeiros, B. P., & Goldoni, L. R. F. 2020). بنابراین برای شکل‌گیری قلمرو در هر عرصه یا فضایی، ترسیم و تبیین مرزها نقش مؤثری دارد.

در سطح ملی تعیین محدوده قلمرو به عنوان فضایی که دولت ملی در آن مشروعیت داشته و قدرت دولتی در آن به رسمیت شناخته می‌شود بر عهده «مرزهای ملی» است. به عبارت دیگر، مرزهای ملی خطوطی هستند که قلمرو بیرونی حاکمیت یک دولت ملی را تعیین می‌کنند و عاملی برای کشف و جدایی یک سازمان سیاسی واحد از کشورهای دیگر هستند. یعنی مرزها دو ملت، دو کشور و دو دولت را از هم جدا می‌کنند. مدیریت مرزی سازوکاری است که امنیت ملی و تنظیم قانونی ورود و خروج برای تأمین نیازهای مختلف ملت را فراهم می‌نماید. به همین ترتیب برخورداری از اصول و قواعد حقوق بین‌الملل مرتبط با حاکمیت سرزمینی (ملی) و اثبات موارد نقض حاکمیت توسط سایر کشورها، با تعریف و اعلان دقیق «قلمرو ملی» و در امتداد آن «مرزهای ملی» رابطه مستقیم دارد (Tsaugourias, N. 2017).

۳.۲ قلمروگذاری و مرزبانی

قلمروگذاری عبارت است از تلاش یک فرد یا یک گروه برای دستیابی، تاثیرگذاری یا کنترل افراد، پدیده‌ها و روابط، از طریق تحدید حدود و اعمال کنترل بر یک منطقه یا فضای خاص. تعیین قلمرو یک فرآیند است، ساخته و بازسازی می‌شود، شکل گرفته و مدام بروز رسانی می‌شود، یعنی قلمروگذاری یک فرآیند فعال و واکنشی است. به بیان دیگر قلمروها و فضاها به طور طبیعی داده نمی‌شوند، بلکه محصول کنش اجتماعی فعال هستند. با رویکرد بین‌المللی، قلمرو ملی فضایی است که به‌عنوان مبنای حاکمیت یک دولت شناخته می‌شود و دولت ملی در آن مشروعیت و قدرت کنترل بر منافع، جمعیت، سرمایه‌ها و سایر جنبه‌های مادی و معنوی حاکمیت را دارد. همچنین دولت‌ها با تعیین قلمرو، محدودیت‌هایی را برای دسترسی و بهره‌برداری قدرت‌های خارجی از منافع ملی وضع و اجرا می‌کنند (Medeiros, B. P., & Goldoni, L. R. F. 2020). به عبارت دیگر قلمرو ملی به «محدوده جغرافیایی یا فضای گسسته و جدا از سایر قلمروها و نشان دهنده

ظرفی که دولت توان اعمال قدرت بر آن دارد» گفته می‌شود. بنابراین قلمرو زیربنای اقتدار دولت است و مرزها، محدوده تخصیص اختیار دولت را تعیین می‌کنند (Tsaugourias, N. 2017).

از آنجا که حفاظت از شهروندان یکی از اهداف اساسی کشور است، امنیت مرزها به وضوح به عنوان یک مسئولیت اصلی دولت تلقی می‌گردد که از آن تحت عنوان «مرزبانی» یاد می‌شود. تلاش‌ها و سازوکارهای سنتی که برای حفظ امنیت مرزها (مرزبانی) توسط دولت‌ها در همه عرصه‌ها انجام شده، آشکار و تا اندازه بسیار زیادی قابل قبول است. این اقدامات مجموعه‌ای از بازدارنده‌های فیزیکی و قابلیت‌های بازرسی در مرزهای کشور برای شناسایی و کنترل آنچه مجاز به عبور از مرزهای کشور می‌باشد را تشکیل می‌دهند که مرزبانی نامیده می‌شود. در مرزبانی ملی حق و وظیفه دولت است که کنترل کند چه کسی و چه چیزی از مرزها عبور نماید تا از کشور و مردم آن در برابر تهدیدات خارجی محافظت کند. این تهدیدها از موارد آشکار مانند تروریست‌ها و متجاوزین که به دنبال انجام یک حمله یا ارتکاب جنایت هستند تا موارد کمتر آشکار مانند محصولات کشاورزی و مواد غذایی آلوده که می‌تواند صنعت کشاورزی کشور را به شدت تحت تأثیر قرار دهد یا جمعیت را بیمار کند متغیر است (Osborn, P. 2017).

۴.۲ چگونگی اعمال حاکمیت بر فضای سایبر ملی در پرتوی ویژگی‌های خاص فضای سایبری

در نگاه اول به نظر می‌رسد ویژگی بدون مرز بودن فضای سایبری با مفاهیم سنتی حاکمیت سرزمینی (ملی) و اصول و قواعد حقوق بین‌الملل در این زمینه سازگاری ندارد و عملاً امکان اعمال حاکمیت سرزمینی (ملی) در فضای سایبری وجود ندارد. در این زمینه سؤالاتی مطرح می‌شود که آیا حقوق بین‌الملل می‌تواند به عنوان یک ابزار تنظیم‌کننده در فضای سایبری عمل کند و اینکه دامنه صلاحیت نظارتی آن چیست؟ به علاوه اینکه آیا دولت‌ها می‌توانند منبع مقررات در فضای سایبری باشند؟

در بازنمایی اولیه فضای سایبری اینگونه به نظر می‌رسد که این فضا غیرقلمروی و بدون مرز است و به همین دلیل نمی‌توان آن را مشمول اصول و قواعد به رسمیت شناخته شده دنیای فیزیکی و پایش، نظارت و اعمال قدرت دولتی دانست. پس این فضا را نیازمند ساختارهای قانونی متفاوت و مختص به خود می‌دانستند. یکی از دیدگاه‌های مطرح در این زمینه دیدگاه جان پری بارلو است که در «اعلامیه استقلال فضای مجازی» به آن اشاره شده است. جان پری بارلو در این اعلامیه که در سال ۱۹۹۶ میلادی منتشر شده است، با رد اعمال حاکمیت دولتی و قوانین مرتبط با فضای واقعی در فضای سایبری (مجازی) آورده است: «دولت‌های جهان صنعتی، شما گول‌های خسته فولاد، من از فضای مجازی، خانه جدید ذهن آمده‌ام. از طرف آینده از شما گذشته‌ها می‌خواهم که ما را تنها بگذارید. شما در میان ما خوش آمدید. شما در جایی که ما جمع می‌شویم هیچ «حاکمیتی» ندارید. ما هیچ دولت منتخبی نداریم و احتمالاً هم نخواهیم داشت ... ما فضای اجتماعی جهانی را بنا می‌نهم. به‌طور طبیعی مستقل از ظلم‌هایی که می‌خواهید بر ما تحمیل کنید، اعلام می‌کنم، شما حق اخلاقی ندارید که بر ما حکمرانی کنید و هیچ روشی برای اجرا در این زمینه ندارید که باعث نگرانی ما باشد. دولت‌ها اختیارات ذاتی خود را از رضایت حکومت‌شوندگان می‌گیرند. شما نه درخواست از ما دارید و نه دریافت کرده‌اید. فضای مجازی در محدوده حاکمیت شما قرار ندارد. ما در حال شکل دادن به

قراردادهای اجتماعی خودمان هستیم. این حکومت بر اساس شرایط دنیای ما به وجود خواهد آمد و دنیای ما متفاوت از دنیای شما است. مفاهیم حقوقی مورد استفاده شما از دارایی، بیان، هویت، حرکت و زمینه در مورد فضای مجازی صدق نمی‌کند و همه آنها بر اساس ماده هستند. حال اینکه در فضای مجازی ماده‌ای وجود ندارد. ما امیدواریم بتوانیم راه‌حل‌های خاص خود را برای این فضا بسازیم. اما نمی‌توانیم راه‌حل‌هایی که شما دوست دارید بر ما تحمیل کنید را بپذیریم. ما باید دنیای خود را مصون از حاکمیت شما بسازیم، حتی اگر همچنان به حکومت شما بر بدن و دنیای فیزیکی رضایت دهیم. ما خودمان را در سراسر این سیاره پخش خواهیم کرد تا کسی نتواند افکار و اندیشه‌های ما را تسخیر کند. ما تمدن ذهن را در فضای مجازی ایجاد خواهیم کرد. باشد که از دنیایی که دولت‌ها ساخته‌اند، انسانی‌تر و عادلانه‌تر باشد.» (BARLOW'S, J. P. 1996).

همچنین جانسون و پست در مقاله‌ای با عنوان «قانون و مرزها: ظهور قانون در فضای مجازی» در سال ۱۹۹۶ میلادی، اعمال مفاهیم موجود حاکمیت و قانون در فضای سایبری را به دلیل ویژگی متمایز غیرسرزمینی و بدون مرز بودن آن رد می‌کنند و به همین دلیل، تدوین قوانین اختصاصی برای فضای سایبری را پیشنهاد می‌کنند. جانسون و پست نتیجه می‌گیرند که اگر چه فضای سایبری یک فضای بدون ضابطه نیست و نیاز به تنظیم‌گری و هنجارسازی دارد لیکن قوانین موجود مبتنی بر قلمروی فیزیکی برای اعمال بر فضای سایبری مناسب نیستند. جانسون و پست اعمال اصول و قواعد حقوق بین‌الملل در فضای سایبری را رد نمی‌کنند و علاوه بر این برای اعمال قوانین و مقررات در فضای سایبری، به قلمروگذاری و مرزبانی در این فضا تأکید دارند. هر چند آنها بین قلمرو در فضای سایبری و فیزیکی تفاوت قائل هستند و نوع متفاوتی از مرزها را برای فضای سایبری با توجه به ویژگی‌های خاص آن متصور هستند. به عقیده آنها اگر چه شخصیت بدون مرز فضای سایبری امکان‌پذیر است، نظارت و تنظیم قانونی این فضا را تضعیف می‌کند و به چالش می‌کشد؛ قدرت و اقتدار همان طور که پیش‌تر گفته شد، جوهره حاکمیت است و فقدان قلمرو و مرز، قدرت اعمال حاکمیت را از دولت‌ها سلب می‌نماید. بنابراین همچنان قلمرو و مرز نقش سازنده و کارکردی در قاعده‌گذاری، اعمال و اجرای قانون در فضای سایبری بازی می‌کند و مرزها سازمان حاکمیت در فضای سایبری را تعریف می‌نمایند (Johnson, D. R., & Post, D. 1996).

موضع جان‌پری بارلو و برخی دیگر از نظریه‌پردازان در مورد ماهیت استثنایی فضای سایبری توسط جک گلداسمیت در مقاله‌ای با عنوان «علیه هرج و مرج سایبری» به چالش کشیده شده است. از نظر او فضای سایبری نیز از افراد و اشیاء تشکیل شده است. بنابراین دولت‌ها می‌توانند بر مردم و اشیاء در قلمرو خود اعمال حاکمیت نمایند و فعالیت‌ها در این فضا را تنظیم کنند. همچنین گلداسمیت، نظر جانسون و پست را به چالش می‌کشد و استدلال می‌کند قواعد و هنجارهای پذیرفته شده فضای فیزیکی در برخی حوزه‌ها می‌تواند در فضای سایبری نیز دارای اعتبار و قابل اتکا باشد. به گفته گلداسمیت دولت می‌تواند بر فضای سایبری ملی اعمال قدرت و فعالیت‌ها در این فضا را تا حد زیادی از طریق تکنیک‌های موجود تنظیم کند. این دیدگاه هم اکنون به عنوان دیدگاه غالب نسبت به فضای سایبری ملی پذیرفته شده است (Goldsmith, J. L. 1998). موارد فوق بیانگر دیدگاه‌هایی است که طی دهه‌های گذشته و به خصوص سال‌های اولیه ظهور فضای سایبری بیان شد. آنچه مشخص است، امروزه قریب به اتفاق صاحب‌نظران به هنگام رویارویی با فضای سایبری،

بر هنجارسازی و تنظیم‌گری این فضا و همچنین بر نقش قلمرو و مرز در این زمینه به طور صریح یا ضمنی تأکید دارند.

۵.۲ رقابت‌های دولتی مداوم در فضای سایبری و لزوم قلمروگذاری فضای سایبر ملی

ایجاد سازوکارهای مختلف کنترل مرزی در همه عرصه‌ها که با مقاصد گوناگون از پایش و نظارت بر مرزها، کنترل مهاجرت تا پیشگیری از جرم، جنایت و حملات نظامی انجام می‌پذیرد نشان می‌دهد حاکمیت سرزمینی و قلمرو دولتی حتی در جنبه‌های فیزیکی نیز هنوز معنای خود را از دست نداده‌اند و گاه با قدرت مضاعف ادامه دارد. بنابراین روند تقویت مرزهای ملی و کنترل‌های دولتی هنوز در دست انجام است. ویژگی‌های خاص فضای سایبری که بخش قابل توجهی از تهدیدات علیه امنیت ملی در فضای سایبری را به همراه داشته است و از سوی دیگر دشواری انتساب حملات در این فضا، موجب گردیده است شاهد رقابت‌های دولتی مداوم در قلمروگذاری فضای سایبری و اعمال سیاست‌های صیانت از قلمرو سایبری باشیم.

همان‌طور که در بالا اشاره شد، فعالیت‌های زیرسطح آستانه توسل به زور در فضای سایبری که با نادیده گرفتن قلمرو ملی کشورها و قواعد بین‌المللی انجام می‌پذیرد، به طور فزاینده‌ای در حال افزایش است. فقدان قلمروگذاری ملی و مرزهای تعریف شده در فضای سایبری به نفع کشورهای بسیار توسعه‌یافته با قابلیت‌های تهاجمی سایبری است. از آنجایی که فضای سایبری دستیابی به اهداف سیاسی را آسان‌تر، کارمدر و بدون خطر قرار گرفتن در معرض انتقاد بین‌المللی، ممکن می‌سازد؛ فقدان قلمروگذاری ملی و به تبع آن پایش و اعمال قدرت دولتی در قلمرو ملی، اقدامات خصمانه زیر سطح آستانه توسل به زور در فضای سایبری علیه فضای سایبر ملی را تشدید می‌نماید (Dziwisz, D. 2022).

۶.۲ شواهد قلمروگذاری در فضای سایبری ملی در دیگر کشورها

امروزه اقدامات و فعالیت‌های پایش، نظارت و اعمال قدرت کشورها بر قلمرو سایبر ملی که به درجات مختلف در کشورها اعمال می‌شود به نوعی بیانگر قلمروگذاری و مرزبانی این فضا حتی در کشورهایی است که در ظاهر مدعی فضای سایبری بدون مرز هستند. یعنی برخی از کشورها در قلمروگذاری و مرزبانی فضای سایبر ملی شفاف‌تر عمل می‌کنند ولی حتی در کشورهایی که به ظاهر مدعی فضای سایبر به هم پیوسته جهانی و گردش آزاد اطلاعات در این فضا هستند نیز کنترل و اعمال قدرت بر قلمرو سایبری کشور خود را به گونه‌ای متفاوت اعمال می‌نمایند. هم‌اکنون طیف اقدامات بومی‌سازی و ملی‌گرایی داده‌ها در کشورهای دموکراتیک تا کشورهای اقتدارگرا آغاز شده و الزامات وضع شده توسط دولت‌ها مبتنی بر مکان تولید داده‌ها در حال افزایش است.

با یک گونه‌شناسی و تجزیه و تحلیل از اشکال مختلف اعمال کنترل ملی بر داده‌ها می‌توان پی برد این اقدامات با اهدافی نظیر حفاظت از داده‌ها و حریم خصوصی شهروندان، نظارت و پایش اطلاعات در گردش در قلمرو سایبری ملی و در برخی موارد نیز به منظور کنترل نوع اطلاعاتی که از مرزهای فضای سایبری کشور جریان می‌یابند اعمال می‌شوند.

دولت چین از مدت‌ها پیش با ترویج نسخه قوی از ملی‌گرایی داده‌ها که به آن «حاکمیت سایبری» نیز گفته می‌شود، اقدامات مرتبط با این حوزه را دنبال می‌کند. روسیه از طریق فعالیت‌های خود در فضای سایبری نوعی «خط مقدم دیجیتال» را ایجاد می‌کند که به نوعی تداعی کننده خط مقدم نظامی در سایر عرصه‌ها است. در کنار پیاده‌سازی الزامات ذخیره‌سازی داده‌ها در قلمرو سرزمینی یا به اصطلاح «بومی‌سازی داده‌ها» در کشورهایی مثل روسیه، هند و چین؛ اتحادیه اروپا نیز مجموعه‌ای از محدودیت‌های انتقال داده از قلمرو سرزمینی این اتحادیه را اعمال نموده است که برای محافظت از حریم خصوصی شهروندان و ساکنان اتحادیه اروپا طراحی شده است (Stadnik, I. 2021).

در ایالات متحده آمریکا، علاوه بر الزام شرکت‌های تحت مالکیت روسیه و چین به ذخیره‌سازی داده‌های مربوط به شهروندان آمریکایی در قلمرو سرزمینی ایالات متحده آمریکا؛ طی سال‌های گذشته کنگره آمریکا تغییراتی را در کمیته سرمایه‌گذاری خارجی به تصویب رسانیده است تا شرکت‌ها و برنامه‌های کاربردی خارجی را که داده‌های شخصی و حساس را جمع‌آوری و نگهداری می‌کنند، با هدف محافظت در برابر استفاده‌های ناپسند خارجی در معرض بررسی‌های امنیت ملی قرار می‌دهد (Stewart, D. P. 2018).

فرانسه بر حق حاکمیت بر قلمرو سایبری ملی تأکید دارد و هر گونه عملیاتی که منجر به نقض محرمانگی، یکپارچگی و دسترس بودن سامانه‌های سایبری شود نقض حاکمیت به حساب می‌آورد. این نقض نه تنها زمانی رخ می‌دهد که اثرات آن در قلمرو فرانسه نمایان شود بلکه حتی زمانی که به فضای سایبر ملی فرانسه نفوذ می‌شود هم صادق است (Broeders, D., & van den Berg, B. 2020).

هم‌اکنون ابزارهای متنوعی برای دولت‌هایی وجود دارد که به دنبال بازسازی قلمرو ملی خود در فضای سایبری هستند. دیوارهای آتش ملی یکی از شناخته شده‌ترین روش‌ها برای دولت‌ها است تا هم ادعای سرزمینی خود را اعلام کنند و هم قدرت خود را در فضای محدود نشان دهند. این فایروال‌ها طیف وسیعی از مکانیسم‌های فیلترینگ مانند مسدود کردن IP و جستجوی کلمات کلیدی را برای سانسور بحث در مورد موضوعات حساس و عدم دسترسی به وبسایت‌هایی که خرابکارانه تلقی می‌شوند، ترکیب می‌کنند. «دیواره آتش بزرگ چین» مشهورترین مثال در این زمینه است، اما سایر کشورها نیز سامانه‌های مشابه را توسعه داده یا در حال توسعه هستند. کره شمالی احتمالاً افراطی‌ترین نمونه‌ای است که تا همین اواخر، کاربران فقط می‌توانستند به شبکه داخلی^۱ در سراسر کشور دسترسی داشته باشند. امروزه دسترسی به برخی از سایت‌های اینترنتی تحت محدودیت‌های شدید و نظارت دقیق دولت امکان‌پذیر است.

۳ روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از منظر هدف توسعه‌ای-کاربردی می‌باشد. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اینترنتی، مجموعه اسناد و مقالات مرتبط با موضوع تحقیق مورد بررسی جامع قرار گرفت. در ادامه با تجزیه و تحلیل اسناد در این حوزه، نقش و جایگاه قلمروگذاری و مرزبانی فضای سایبری در اعمال حاکمیت بر فضای سایبر ملی مورد پژوهش قرار

^۱Kwangmyong

گرفت. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند ارتقاء دانش مدیران و متولیان کشور را در زمینه اعمال حاکمیت بر فضای سایبر ملی به همراه داشته باشد.

۴ تجزیه و تحلیل

با تجزیه و تحلیل موارد یاد شده می‌توان استنباط کرد که در وهله نخست باید از تشبیه ساده قلمرو در فضای سایبری با سایر قلمروهای سنتی اجتناب کرد. زیرا ساختار به هم پیوسته و جهانی فضای سایبری ایجاب می‌نماید قلمرو در این فضا متخلخل باشد و با توجه به وجود بازیگران مختلف که در فضای سایبر جهانی کنش و اعمال قدرت می‌نمایند با همپوشانی قلمرو کنشگران روبرو هستیم. این موضوع سبب شده است دولت‌ها در صورت اراده، با استفاده از راهکارها و فناوری‌های نوین به قلمرو ملی دیگر کشورها تعرض نمایند. در وهله بعد اگر چه احترام به حاکمیت ملی کشورها یک اصل اساسی در حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود و از آن قواعد و هنجارهای بازدارنده‌ای از حقوق بین‌الملل مانند احترام به صلاحیت دولت‌ها در کنترل و مدیریت منابع و زیرساخت‌ها در قلمرو سرزمینی، ممنوعیت تهدید و توسل به زور علیه دولت دیگر و ممنوعیت مداخله در امور داخلی دیگر کشورها ناشی می‌شود که مورد پذیرش همگان است؛ قوانین و هنجارهای فعلی بین‌المللی، اقدامات زیر سطح آستانه این قواعد را نهی نمی‌کند و دولت‌ها را ملزم نمی‌کند از هرگونه فعالیتی که حاکمیت دولت سرزمینی را خدشه‌دار می‌کند خودداری نمایند. به خصوص اینکه تعیین سطح آستانه اقدامات ناقض حاکمیت سرزمینی کشورها در فضای مجازی و همتراز شمردن اقدامات و عملیات‌های سایبری با اقدامات و عملیات‌های ناقض حاکمیت سرزمینی در فضای واقعی، به دلیل عدم شفافیت و قطعیت اسناد حقوق بین‌الملل در این زمینه، دوچندان مشکل است. به علاوه، با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های فضای سایبری، انتساب اقدامات ناقض حاکمیت سرزمینی به دولت متخاصم، در قریب به اتفاق موارد امکان‌پذیر نیست. شواهد این امر را می‌توان در این واقعیت مشاهده کرد که دولت‌ها عملیات‌های نفوذ، جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات حیاتی و حتی تخریب منابع، زیرساخت‌ها و سامانه‌های دیگر کشورها را از طریق فضای سایبری انجام می‌دهند و پیگرد قانونی آنها از طریق حقوق بین‌الملل مقدور نیست.

افزون بر این در کنار این موضوعات، بی‌علاقگی یا ناتوانی کشورها در تدوین نظامات حقوقی شفاف و متقن برای فضای سایبری در جهت ممانعت و مقابله با فعالیت‌های مخرب و ناقض حاکمیت ملی و سرزمینی کشورها در فضای سایبری (با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد این فضا)، منجر به پیدایش ابهامات و روزنه‌هایی برای نقض حاکمیت کشورها و عدم امکان تعیین زمان دقیق نقض حاکمیت و به تبع آن عدم پیگیری بین‌المللی در این زمینه شده است.

از این رو قلمروگذاری و مرزبانی فضای سایبر ملی، به‌عنوان راهکاری برای محافظت بیشتر از داده‌ها و شهروندان در برابر تهدیدات خارجی و مهم‌تر از آن اعمال حاکمیت ملی سایبری، می‌تواند مورد توجه ویژه قرار گیرد. از این رو دولت‌ها که وظیفه اساسی محافظت از منابع و منافع ملی، مدیریت و تنظیم‌گری در تمامی عرصه‌ها و به تبع آنها اعمال حاکمیت ملی را بر عهده دارند قادرند با اعمال سیاست‌های قلمروگذاری و مرزبانی فضای سایبر ملی، اعمال حاکمیت در این فضا را ارتقاء دهند.

۵ نتیجه گیری

حاکمیت در هر عرصه‌ای از چهار عنصر قلمرو، شهروندان، منابع و سیاست تشکیل می‌گردد و پیش شرط اعمال حاکمیت در فضای سایبر نیز تعریف و تحقق این چهار عنصر می‌باشد. یعنی اینکه افراد، تجهیزات و داده‌های موجود در فضای سایبری هر کشور، تابع حکمرانی آن کشور بوده و هیچ کشوری نباید در فضای سایبر واقع در قلمرو کشورهای دیگر مداخله کند. از سوی دیگر تمام کشورها حق دارند از قلمرو خود در برابر تجاوز محافظت نمایند. به علاوه، قلمروگذاری و مرزبانی در تمامی عرصه‌ها یکی از راهکارهای مهم در تولید قدرت ملی و بازسازی و حفظ هویت ملی محسوب می‌گردد. در نتیجه حق، وظیفه و خواست دولت است که کنترل کند چه کسی و چه چیزی از مرزهای کشور عبور می‌کند تا از کشور و مردم آن در برابر تهدیدات خارجی محافظت نماید. این موضوع در عرصه سایبری نیز صدق می‌کند. در نتیجه قلمروگذاری و مرزبانی فضای سایبری کشور می‌تواند نقش بسزایی در اعمال حاکمیت بر فضای سایبری ملی داشته باشد. از سوی دیگر با توجه به اینکه هنوز هیچ‌گونه قواعد و هنجار اختصاصی برای اقدامات زیرآستانه استفاده از زور و مداخله آشکار در فضای سایبر سایر کشورها توسعه نیافته است، تعیین دقیق مرز بین اقدامات مجاز و غیر مجاز سایبری با استناد به قوانین، مقررات و هنجارهای بین‌المللی امکان‌پذیر نیست و در بسیاری از موارد دولت‌ها آزاد هستند در این زمینه مطابق تفسیر و میل خود عمل کنند. ولی به هر حال برخورداری از اصول و قواعد حقوق بین‌الملل، پیگیری‌های قانونی و دفاع از فضای سایبر ملی مستلزم تعریف و اعلان قلمرو سایبری ملی و مرزبانی مؤثر این فضا می‌باشد. در نتیجه تعریف نشدن قلمرو و مرز ملی در فضای سایبری، رفتار قانون‌مند کنشگران خصوصی و دولتی در یک فضای قانونی را به همراه نخواهد داشت و این مسئله منجر به تضعیف نظام حاکم و امنیت ملی خواهد شد.

مراجع

- [۱] بدیعی ازندهی، مرجان و میراحمدی، فاطمه سادات و غلامی، بهادر (۱۳۹۹). مقایسه‌ی مفهوم «حاکمیت ملی» در قوانین اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی ایران.
- [۲] کریمی قهرودی، محمدرضا و زارعی وحید (۱۳۹۹). حاکمیت فضای سایبری، انتشارات مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- [۳] کامران دستجردی حسن (۱۴۰۱). کاربرد حاکمیت در مقیاس‌های فضایی. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و دوم، شماره ۶۵.
- [۴] کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۲). پردازش مفهوم «قلمرو» از دیدگاه جغرافیای سیاسی. برنامه‌ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی)، ۱۷(۴)، ۴۳-۶۱.
- [۵] اسمعیل‌زاده ملاباشی، پرستو، عبدالمهی (۱۳۹۹). حملات سایبری و نقض اصل عدم مداخله. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۵۰(۲)، ۷۱۱-۷۳۶.
- [6] Paasi, A., Ferdoush, M. A., Jones, R., Murphy, A. B., Agnew, J., Ochoa Espejo, P., & Fall, J. J. (2022). Locating the territoriality of territory in border studies. *Political Geography*, 95, 102584.

- [7] Douzet, F. (2020). Cyberspace: the new frontier of state power. Handbook on the Changing Geographies of the State.
- [8] Medeiros, B. P., & Goldoni, L. R. F. (2020). The Fundamental Conceptual Trinity of Cyberspace. *Contexto Internacional*, 42, 31-54.
- [9] Tsaugourias, N. (2017). Law, Borders and the Territorialisation of Cyberspace. *Indonesian J. Int'l L.*, 15, 523.
- [10] Osborn, P. (2017). Cyber Border Security—Defining and Defending a National Cyber Border. *Homeland Security Affairs*, 13.
- [11] BARLOW'S, J. P. (1996). Declaration of independence for cyberspace.
- [12] Johnson, D. R., & Post, D. (1996). Law and borders: The rise of law in cyberspace. *stanford law review*, 1367-1402.
- [13] Goldsmith, J. L. (1998). Against cyberanarchy. *The University of Chicago Law Review*, 65(4), 1199-1250.
- [14] Lambach, D. (2020). The territorialization of cyberspace. *International Studies Review*, 22(3), 482-506.
- [15] Möllers, N. (2021). Making digital territory: Cybersecurity, techno-nationalism, and the moral boundaries of the state. *Science, Technology, & Human Values*, 46(1), 112-138.
- [16] Broeders, D., & van den Berg, B. (Eds.). (2020). *Governing Cyberspace: Behavior, Power and Diplomacy*. Rowman & Littlefield Publishers.
- [17] Janparvar, M., Ghasri, M., & Hosseinpour Motlagh, M. (2015). Border Management of Cyberspace, First Step of Cyber Defense. *Research on Humanities and Social Sciences*, 5.
- [18] Heintschel von Heinegg, W. (2013). Territorial sovereignty and neutrality in cyberspace. *International Law Studies*, 89(1), 17.
- [19] Dziwisz, D. (2022). Non-War Activities in Cyberspace as a Factor Driving the Process of De-Bordering. *Politics and Governance*, 10(2).
- [20] Assaf, A., & Moshnikov, D. (2020). Contesting sovereignty in cyberspace. *International Cybersecurity Law Review*, 1(1), 115-124.
- [21] Goel, S. (2020). National cyber security strategy and the emergence of strong digital borders. *Connections*, 19(1), 73-86.
- [22] Deibert, R. J., & Pauly, L. W. (2019). Mutual entanglement and complex sovereignty in cyberspace. In *Data Politics* (pp. 81-99). Routledge.
- [23] Stadnik, I. (2021). Russia: An independent and sovereign Internet?. *Power and Authority in Internet Governance*, 147-167.
- [24] Stewart, D. P. (2018). Recent Developments in US Cyberlaw. *Agenda Internacional*, 25(36), 113-131.